

## زیر آفتاب سوزان

زمانی قلم‌فروشی به دهکده‌ای رسید و به مدرسه ده رفت تا اجناسش را بفروشد. وقتی به آن جا رسید، چند دانش‌آموز را دید که در ایوان مدرسه کتاب می‌خواندند. بیشتر بچه‌ها در سایه بودند، اما یکی از آن‌ها زیر آفتاب سوزان نشسته بود و کتاب می‌خواند. مرد به نظرش عجیب آمد. از پسر پرسید: «چند سالت؟»

پسر جواب داد: «هفت سالمه.»

مرد ادامه داد: «چرا زیر آفتاب کتاب می‌خوانی، در حالی که بقیه‌ی شاگردها روی زمین خنک و در سایه نشسته‌اند؟»

پسر در حالی که عرق پیشانی‌اش را جمع می‌کرد، جواب داد: «خانواده‌ی من فقیرند و پدرم به‌عنوان کارگر کار می‌کند تا خرج مدرسه‌ام را بدهد. کتاب‌ها، قلم‌موها و کاغذهایم حاصل زحمت و عرق ریزان پدرم هستند. من از این‌که روی زمین خنک بنشینم و کتاب بخوانم، احساس گناه می‌کنم؛ در حالی که پدرم در گرمای تابستان روی زمین کار می‌کند.»  
قلم‌فروش که عمیقاً تکان خورده بود، پسر را به خاطر افکارش نسبت به پدر تحسین کرد و بهترین قلم‌موهایش را به او هدیه داد.

انتخاب و ترجمه از کتاب چونگ هیویی

داستان‌هایی از فداکاری، صداقت، احترام و نیک‌خواهی در تاریخ و فولکلور کره

پونه ندائی

کارشناس گفت: «حوالی ظهر زنگ بزن تا ببینم چه‌کار میشود کرد.»  
هنوز کارشناس گوشی را نگذاشته بود که دستی روی شانه‌اش خورد.  
مسئول امور مالی بود که با خنده گفت: «چی؟ تو فکری!»

وقتی پاسخ را شنید، با لبخند مرموزی گفت: «عجب آدمایی پیدا می‌شن! دیروز دیدمش، اصلاً نمرده بود. اومد و کلی حرف زد تا با وامش موافقت کردم. قرار بود آخر برج اولین قسطش را بده. عجب روزگاریه! موقع گرفتن وام، یکی می‌گه پسرم دانشگاه آزاد قبول شده، یکی می‌گه برای دخترم خواستگار اومده، این مرحوم هم گفت مریضم، می‌خوام بمیرم. من مثل همیشه باور نکردم، ولی با وام موافقت کردم! راستی اول باید زنگ بزنی بانک، بگم فقط اگه خود مرحوم اومد و کارت شناسایی آورد، وام را بهش بدن.»

کارشناس به اتاق یکی از مسئولان رفت و خبر مرگ مرا اعلام کرد. آن مقام مسئول گفت: «چند ساله که خیلی از معلم‌ها، سال‌های آخر خدمتتون می‌میرن. گمون کنم که سیاست کلان اداری باشه. چون وضع اقتصادی وزارت‌خانه مساعد نیست و باید به بازنشسته‌ها کلی حقوق و مزایا داد. اما به نظر من، این سیاست هرگز نباید به درس آینده‌سازان کشور ضربه بزنه. سیاست بیماری و مرگ توی تابستون، قراره به زودی تدوین و ابلاغ بشه. حقوق دانش‌آموزان از همه‌چیز مهم‌تره!»

